

### متن پرسش

سلام استاد: استاد داوری اردکانی در جایی می فرمایند: «من هنوز از این فکر که تجدد عمر جاودان ندارد و آدمی نمی تواند به دین و معرفت پشت کند، منصرف نشده ام اما پی برده ام که به محض ظهور آثار پیری عهد تجدد، تمدن غربی از هم نمی پاشد و میدان را وانمی گذارد. همچنین «نفوذ» در این تمدن و برقراری عهد و نظم تازه موکول به ظهور «اندیشه بنیانگذار» است. تدبیر و سیاست و قانون جای خود را دارند اما اینها نگهبان و نگهدارنده اند نه پدید آورنده و بسط دهنده. انقلاب ما شأن سیاسیش غالب بود و هنوز هم چنین است. باید اندیشه ره آموزی کند تا معاملات و مناسبات و کار و کردار و رفتار و اداره و مدرسه و اقتصاد و... سامان یابد. من در احوال شیفتگی نسبت به انقلاب، به تدریجی بودن و آرام آرام آمدن و دیدار نمودن و پرهیز کردن تفکر و قهر و نازهایش که معمولاً خریداری ندارد، توجه نداشتم و فکر می کردم که همه چیز یکجا از راه می رسد. در این سی سال هم همواره چشم به راه تفکر بوده ام.» اولاً: خواهش می کنم تا اندازه ای که برایتان مقدور هست در مورد «نفوذ» در این تمدن و «اندیشه بنیانگذار» که ایشان اشاره کردند توضیحاتی مبذول فرمایید. و ثانیاً: از نظر جنابعالی آن قسمت و نقطه ای که قلب تجدد حساب می شود و با هدف گیری آن می توان تمام این تمدن شیطانی را متلاشی و منفجر کرد کجاست؟ آیا اسلام چنین تیری در چننه دارد؟ یا جنابعالی اساساً به این پرسش اخیر فکر نکرده اید؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث این نوع مباحث بسیار مفصل است و ارزش آن را دارد که موضوعات مطرح شده در کتاب‌های «انقلاب اسلامی، طلوع جهانی بین دو جهان» و «انقلاب اسلامی و چگونگی تحقق آینده دین‌داری ما» را که روی سایت هست، دنبال فرمایید